

حکایت همچنان باقی است (حدیث به سرقت رفتن شاهنامه بایسنقری) محمد رضا نصیری (دانشگاه پیام نور)

از زمانی که حکیم فردوسی شاهنامه را تقدیم سلطان محمود غزنوی کرد و محمود در حق آن ناسپاسی کرد، گوهرشناسان سخن سنج رنج سی ساله وی را ارج نهادند و ارزش واقعی این اثر ماندگار جهانی را دریافتند و این اثر سترگ به زودی در میان طبقات، از سلاطین و امرا گرفته تا قصه‌خوانان و معرکه‌گیران، شهرت و معروفیت تمام یافت و در دل مردم نشست و به سینه‌ها سپرده شد و نقل محافل گردید. نساخان، خوش‌نویسان، تذهیب‌کاران، نگارگران و کتاب‌آرایان نسخه‌های نفیس بی‌بدیل از آن پدید آوردند که زینت‌بخش کتاب‌خانه‌ها و موزه‌ها شد. سوداگران هر برگش را چون زر ناب خریدند و سلاطین به داشتن یک نسخه از آن فخر فروختند. در دوره تیموری توجه به هنر و تذهیب و ظریف‌کاری شدت یافت، خاصه در عصر شاهرخ و میرزا بایسنقر^۱، با تجمع

(۱) غیاث‌الدین میرزا بایسنقر، فرزند شاهرخ، از امیران دانش‌دوست و هنرپرور بود که فضلا، دانشمندان، هنرمندان و پیشه‌وران از اکناف مملکت روی به درگاه او می‌آوردند. هنر کتاب‌آرایی، تذهیب و خط و نقاشی در عصر وی چنان رونق گرفت که مزیدی بر آن متصور نبود. به دستور وی، مولانا جعفر بن علی تبریزی شاهنامه فردوسی را استنساخ کرد و تذهیب‌هایی بر آن افزوده شد که امروزه از شاهکارهای بی‌نظیر جهان هنر به‌شمار می‌رود. مقدمه‌ای که بر شاهنامه فردوسی به‌نام او نوشته شد بایسنقر را به شهرت جهانی رسانید. وی، با تمام حسن خلق و دانش‌پروری و فضایل و کمالات، شراب صبحگاهی را به باده شامگاهی وصل می‌کرد. او چنان در این راه افراط ورزید که سرانجام در سی و هفت سالگی در روز شنبه هفتم جمادی‌الاول ۸۳۷ درگذشت و در مدرسه گوهرشاد به خاک سپرده شد.

هنرمندان در هرات، مکتب هرات پدید آمد و خطاطان و تذهیب‌کارانی چون بهزاد و میرعماد آثاری بی‌نظیر آفریدند، که امروزه زینت‌بخش موزه‌های جهان است. در میان فراورده‌های هنری مکتب هرات، نسخه شاهنامه فردوسی درخشش دیگری یافت. این نسخه به دستور بایسنقر میرزا، که خود شاهزاده‌ای هنرمند هنرپرور بود، به خط جعفر بایسنقری تهیه شد که امروزه از شاهکارهای مسلم فن کتابت، تذهیب و نگارگری به‌شمار می‌رود. مشخصات این نسخه بی‌نظیر در فهرست آتابای چنین آمده است:

قطع نیم‌ورقی در ابعاد ۳۸×۲۶ سانتی کاغذ خانبالغ نخودی‌رنگ، خط نستعلیق-کوفی تزئینی-ثلث-کتابت خفی بسیار خوش. صفحات: مجدول زرین زوج تحریر مشکی و لاجوردی، اشعار به وسیله پنج جدول زرین‌بند مشکی به شش مصرع تقسیم شده است. عناوین و سرحکایات در کتیبه‌های مستطیل شکل مذهب مرصع به اشکال و رنگ‌های گوناگون به خط ثلث به آب‌زر و برخی به سفیداب با تحریر مشکی نگاشته شده است.

در ظهر صفحه قبل از شروع شاهنامه یک شمسۀ مذهب مرصع ممتاز نقش است که در متن زرین آن به خط رفاع و به آب‌زر با تحریر مشکی اسم بایسنقر بهادرخان نوشته شده است و در بالای همین شمسۀ یک ترنج مدور دورکنگره مذهب متوسط است که به منظور پوشانیدن سجع مهر یا مطلبی نقاشی شده است. چهار صفحه از اول شروع شاهنامه و دو صفحه از پایان کتاب متن و حاشیه مذهب مرصع مزدوج ممتاز و بسیار دلغریب و زیبانقش است که از بهترین نمونه‌های فن تذهیب و ترصیع به‌شمار می‌رود. نسخه جمعاً ۲۲ مجلس مینیاتور آب‌رنگ ممتاز به محتوای داستان‌های شاهنامه طرح و نقش است که به سبک مکتب هرات و در نهایت کمال استادی و دلربایی است. این نسخه دارای ۷۰۰ صفحه که هر صفحه ۳۱ سطر و صفحات مصور بین ۴-۶-۱۰ سرکتابت دارد.^۲

آتابای، پس از شرح مشخصات کتاب، اضافه می‌کند:

متأسفانه این نسخه نفیس و بی‌بدیل در چند موضع افتادگی دارد: یکی بعد از صفحه ۱۷۸ که هشت صفحه و معادل قریب ۸۰۰ بیت و دیگر بعد از صفحه ۵۰۵ که تقریباً به همان میزان افتادگی دارد و صفحات ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۷۸، ۱۷۹ مشوش صحافی شده است.^۳

آتابای، سپس، به مشخصات جلد کتاب می‌پردازد و می‌نویسد:

جلد کتاب مقوای روکش تیماج متن و حواشی قاب‌سازی و سوخت تحریر ترنج و نیم‌ترنج و چهار لچک‌ترنج طلا پوشیده به طلای سبز و آتشین با گل و برگ و اسلیمی‌های بندروی و دهن‌اژدری ضربی برجسته، دو حاشیه زمینه مشکی برجسته مذهب و منقش به ریسۀ گل و

(۳) فهرست دیوان‌های خطی، ج ۲، ص ۸۴۳.

(۲) فهرست دیوان‌های خطی، ج ۲، ص ۸۴۰.

برگ زرین و الوان. اندرون جلد: تیماج وسط ترنج دو سرترنج و هشت نیم ترنج و لچک ترنج سوخت معرق زمینه لاجوردی یک حاشیه کتبه‌ای زمینه لاجوردی سوخت معرق^۴.
از چگونگی بیرون رفتن چنین نسخه‌ای، با آن‌همه تمهیداتی که برای حفاظت آن می‌شده است، اطلاعی در دست نیست. گزارشی که در پی این نوشته خواهد آمد ماجرای به دام افتادن سوداگران و بازیافت شاهنامه را معلوم می‌کند.
آتابای، در فهرست خود، از شاهنامه دیگری نام می‌برد که جزو کتاب‌های اکتشافی است که، در آن، تمام امهار و یادداشت‌ها، نام صاحب و نام راقم محو شده است. در این نسخه، که تاریخ کتابت آن ۱۰۲۱ است و به خطی زیبا و پخته کتابت شده، دوازده مجلس مینیاتور خوش‌منظر به مناسبت موضوع اشعار مندرج است^۵. آتابای از شاهنامه بایسنقری جزو کتاب‌های اکتشافی نام نمی‌برد ولی حاکم اصفهان، در گزارش خود، به مشخصات شاهنامه‌ای اشاره می‌کند که منطبق با مشخصات شاهنامه بایسنقری است.

گزارش فرج‌الله بهرامی^۶، حاکم اصفهان، به تیمورتاش^۷ وزیر دربار

در خصوص سرقت شاهنامه نفیس خزانه سلطنتی و خرید آن به‌وسیله پیشکار مالیه اصفهان و میرزا عباس عتیقه‌فروش از حاجی الیاس کلیمی و شرکاء جهت انتقال به اروپا و کشف این قضیه توسط نظمیۀ اصفهان

(۴) همان، ص ۸۴۵. (۵) همان، ص ۸۵۰.

(۶) فرج‌الله بهرامی، محمدعلی‌خان تفرشی در سال ۱۲۶۰ ش متولد شد. در مدارس دارالفنون و آلیانس فرانسه و مدرسه ایران و آلمان به تحصیل پرداخت و در سال ۱۲۸۵ ش، مقارن مشروطیت، به استخدام وزارت جنگ درآمد. در زمان وزارت حسین علاء، به وزارت فوائد عامه و تجارت انتقال یافت. اما، پس از چندی، مجدداً به وزارت جنگ برگشت. در سال ۱۳۰۱، پس از تشکیل قشون متحدالشکل، مجله‌ای به نام قشون، به مدیریت وی، تأسیس و انتشار یافت. در دوره پنجم، از تبریز به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب شد و، در سال ۱۳۰۴، به خلع قاجاریه رأی داد. چندی رئیس دفتر رضاشاه شد و، در سال ۱۳۰۶، به سرپرستی محصلین قورخانه به اروپا رفت. پس از بازگشت، مدتی حکمران اصفهان و بعد والی فارس شد. در فارس، انجمن ادبی تشکیل داد و بنای آرامگاه حافظ را تجدید کرد. در سال ۱۳۱۱، به تهران احضار و در کابینه مخبرالسلطنه به وزارت پست و تلگراف معرفی شد و تا شهریور ۱۳۱۲ در این سمت خدمت کرد. در سال ۱۳۱۲، فروغی او را، برای ترتیب جشن‌های هزاره فردوسی، به والیگری خراسان منصوب کرد. پس از خاتمه جشن‌های هزاره فردوسی (۱۳۱۳)، به تهران احضار شد. بهرامی، از این پس، مورد بی‌مهری قرار گرفت. یک چندی، به همراه علی دشتی و زین‌العابدین رهنما، به زندان افتاد. پس از مدتی، به شفاعت مهدی‌قلی‌خان هدایت (مخبرالسلطنه)، از زندان آزاد و به ملایر تبعید شد. اما، در سال ۱۳۱۹، مجدداً بازداشت شد و به زندان افتاد و، در شهریورماه ۱۳۲۰، پس از برکنار شدن رضاشاه از سلطنت، آزادگشت. در سال ۱۳۲۱، در کابینه احمد قوام، وزیر کشور شد. این کابینه، با استعفای احمد قوام، سقوط کرد. در زمان نخست‌وزیری سهیلی، به استانداری اصفهان منصوب شد که چندان دوامی نیافت. ←

در تعقیب معروضه ۱۷ مرداد در مورد شاهنامه نفیس خزانه سلطنتی به عرض می‌رساند:

بر طبق تحقیقاتی که به عمل آمد معین السلطنه پیشکار مالیه به شرکت میرزا عباس عتیقه‌فروش از حاجی الیاس کلیمی و شرکاء شاهنامه مزبور را که از کتابهای خزانه سلطنتی است به مبلغ ۹۵۰۰ تومان ابتیاع نموده و می‌خواستند برای فروش به اروپا بفرستند. در نتیجه جدیت اداره نظمیّه پیشکار مالیه شاهنامه مسیو شونمان آلمانی را به حکومت جلیله و اداره نظمیّه به عوض شاهنامه نفیس ارائه داد و به کلی از خرید شاهنامه نفیس اظهار بی‌اطلاعی نمود. در نتیجه ملاقات با پیشکار مالیه در مورد شاهنامه که به حال انکار باقی بود صراحتاً به خرید شاهنامه فوق اعتراف نمود اظهار می‌داشت کلیمی‌هایی که اداره نظمیّه جلب نموده است مرخص نماید شاهنامه را به اداره مالیه آورده و به وزارت مالیه می‌فرستم.

در نتیجه تعقیب حکومت و نظمیّه مورّخه ۱۹ امرداد شاهنامه را به اداره مالیه می‌آورد در این موقع شیروانی (رئیس نظمیّه را ملاقات نموده) و تقاضا نمود کاغذی که نظمیّه در مورد شاهنامه به مالیه نوشته پس بگیرد و طوری اقدام کنید که برای پیشکار مالیه مسئولیتی متوجه نشود. رئیس تلگرافخانه در این مورد با پیشکار مالیه مساعدت نموده و تشبثاتی می‌شد که برای پیشکار مالیه مسئولیتی فراهم شود و تصدیق بشود که شاهنامه دولتی نیست.

در نتیجه مذاکرات مورّخه جمعه ۲۰ امرداد از طرف حکومت جلیله از رئیس نظمیّه و پیشکار مالیه و رئیس تلگرافخانه دعوت پس از یک رشته مذاکرات پیشکار مالیه اعتراف نمود و رئیس تلگراف مدّتی در اطراف قضیه مذاکره نموده و معلوم بود که قبلاً در این مورد تبانی نموده‌اند که رئیس نظمیّه در مورد پیشکار مالیه راپرت رسمی ندهد و کاغذی را که در مورد شاهنامه اداره نظمیّه به پیشکار مالیه نوشته پس بگیرد و پس از این

→ بهرامی، سرانجام، در سال ۱۳۳۰ در تهران درگذشت. وی مسلط به زبان فرانسه و عربی بود. خطی نیک و نثری پخته و روان داشت. خوش‌بیان و خوش‌صحبت و همدوست بود. ← شرح حال رجال سیاسی و نظامی ایران، ص ۳۴۱-۳۴۴.

(۷) تیمورتاش، عبدالحسین خان سردار معظم بجنوردی از رجال سیاسی ایران و وزیر دربار رضاشاه بود. در اواخر عمر، متهم و دستگیر شد، در یازدهم مهرماه ۱۳۱۲، در حدود پنجاه سالگی در زندان درگذشت (قزوینی، ص ۱۱).

که معلوم شد دولتی نیست (شاهنامه را وسط گذارده با یکدیگر بخوریم) پیشکار مالیه مراتب را قبول و قرار شد کمسیونی در این مورد تشکیل شود. مورّخه ۲۰ مرداد در اداره مالیه با حضور رؤسای دوائر دولتی کمسیونی تشکیل و شاهنامه را معاینه نموده معلوم گردید شاهنامه برای کتابخانه سلطان بایستقر از سلاطین تیموری^۸ و در سال ۸۲۹ هجری نوشته شده. شاهنامه مزبور دارای ۲۸ مجلس نقاشی خیلی نفیس و شش صفحه تذهیب کاری بود و کتاب مزبور به اندازه‌ای نفیس بود که نظیر آن در ایران دیده نشده و حضار قیمت تقریبی آن را نتوانستند تعیین کنند و معلوم بود بعضی از اوراق شاهنامه عوض شده و علائمی که داشته است از بین برده‌اند و به‌طور تحقیق شاهنامه متعلّق به خزانه سلطنتی بوده است. رؤسای دوائر دولتی تصدیق نمودند که شاهنامه دولتی است و باید به مرکز برود ولی پیشکار مالیه و رئیس تلگرافخانه جداً دفاع می‌نمودند که دولتی نیست در نتیجه شاهنامه را لفافه و کلیه حضار مهر نمودند. نظر به اینکه درین مورد تقلّب پیشکار مالیه معلوم و اغلب مستحضر شده‌اند شروع به تشبّثات نموده است. ضمناً به عرض می‌رساند کاشف شاهنامه نفیس، نظمیه اصفهان بوده است. مراتب برای استحضار خاطر مبارک معروض گردید.^۹

۲۴ مرداد ۱۳۰۶

منابع

- آتابای، بدری، فهرست دیوان‌های خطی، کتابخانه سلطنتی، تهران ۱۳۵۳؛
عاقلی، باقر، شرح حال رجال سیاسی و نظامی ایران، نشر گفتار- نشر علم، تهران ۱۳۸۶؛
قزوینی، محمد، «وفیات معاصرین»، مجله یادگار، سال سوم، ش ۴؛
مصاحب، غلامحسین (سرپرست)، دائرةالمعارف فارسی، انتشارات جیبی و امیرکبیر، تهران ۱۳۴۵؛
منشی قمی، احمد بن حسین، گلستان هنر، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، انتشارات منوچهری، تهران ۱۳۵۲.



۸) در اصل: سلاجقه ۹) سوادنامه در اختیار نگارنده است.